

# مسئولیت‌ها و نقش‌های مردم در جامعه از نگاه قرآن

علی اکبر عالمیان

اشاره: یکی از مباحث مهمی که در قرآن بدان اشاره گردیده است، مسئولیت‌ها و نقش‌هایی است که یک انسان به عنوان خلیفه‌الله می‌تواند و باید ایفاء نماید. مقاله حاضر به همین مسئله از دیدگاه آیات الهی می‌پردازد.



### ویژگی‌های انسان از نگاه قرآن

با نگاهی به آیات قرآن، خداوند متعال خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی را برای انسان ذکر کرده است که ذیلا این شاخص‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- بسیار نوید و ناسپاس: «وَلَيْسَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِثْلَ لَحْمِ خَمْزٍ ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ»<sup>۱</sup> و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نوید و ناسپاس خواهد بود!

۲- ضعیف: «وَجَلِيقَ الْإِنْسَانِ ضَعِيفًا»<sup>۲</sup> و انسان، ضعیف آفریده شده است.

۳- عجول: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عُجُولًا»<sup>۳</sup> و انسان، همیشه عجول بوده است.

۴- ستمگر و ناسپاس: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَلُومٌ كَفَّارٌ»<sup>۴</sup> انسان، ستمگر و ناسپاس است.

۵- تنگ نظر: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَنُورًا»<sup>۵</sup> و انسان تنگ‌نظر است!

۶- مجادله‌گر: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»<sup>۶</sup> انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد!

۷- حریص: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»<sup>۷</sup> به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است.

۸- بسیار کفران‌کننده: «وَأَنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِثْلَ لَحْمِ خَمْزٍ فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ»<sup>۸</sup> و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می‌شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آن‌ها رسد (به کفران می‌پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران‌کننده است!

۹- دشمن آشکار: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ تُطْفِئَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ»<sup>۹</sup> انسان را از نطفه بی‌ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خوشتن گردید!

۱۰- مغرور: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»<sup>۱۰</sup> ای انسان! چه باعث شده تا به خدای کریم

### مغرور گشتی؟

۱۱- طغیان‌گر: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِنْسَانٌ لَطِيفٌ. أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَجْتَنِي»<sup>۱۱</sup> نه چنین است انسان سرکشی کند که بیندش بی‌نیاز شود.

این‌ها برخی از صفاتی بود که در مورد انسان در قرآن آمده است، اما نباید فراموش کرد که قرآن این اوصاف را در مورد آن دسته از انسان‌هایی به کار می‌برد که صالح و مومن نیستند. یکی از آشکارترین آیاتی که در آن خداوند انسان بد و خوب را از هم جدا کرده و ذکر می‌کند، بخشی از آیات سوره مبارکه معارج است. خداوند در این آیات ابتدا صفات انسان‌های بد را ذکر کرده و این‌گونه می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»<sup>۱۲</sup> به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند، و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد). اما بعد از این آیات بلافاصله برخی از افراد را استثناء کرده و آنان را جزء انسان‌های صالح ذکر می‌کند. این افراد عبارتند از:

۱- نمازگزاران: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»<sup>۱۳</sup> مگر نمازگزاران، آن‌ها که نمازها را بی‌پوسته بجا می‌آورند.

۲- آن‌ها که در اموالشان حق معلومی است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ»<sup>۱۴</sup>

۳- مؤمنین به روز جزا: «وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۱۵</sup> و آن‌ها که به روز جزا ایمان دارند.

۴- بیمناکان از عذاب الهی: «وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ»<sup>۱۶</sup> و آن‌ها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند.

۵- پاکدامنان: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»<sup>۱۷</sup> و آن‌ها که دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند

۶- وفای به عهد کنندگان: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»<sup>۱۸</sup> و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.

۷- ادای شهادت کنندگان: «وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ

### بر اساس آیات قرآن، می‌توان

اقسام گوناگونی را برای

مسئولیت‌های انسان متصور

شد. مسئولیت‌های عبادی،

وظایف اجتماعی و فرهنگی

و سیاسی و اقتصادی از جمله

مسئولیت‌هایی است که با تبع

در آیات قرآن می‌توان برای

انسان‌ها متصور شد.



قَائِمُونَ»<sup>۱۸</sup> و آن‌ها که با ادای شهادت‌نشان قیام می‌نمایند. ۸- مراقبت کنندگان بر نماز: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَخِيفُونَ»<sup>۱۹</sup> و آن‌ها که بر نماز مواظبت دارند.

#### اهمیت مسئولیت‌پذیری انسان

آن‌چه در این مقاله به دنبال آن هستیم، بحث مسئولیت‌ها و وظایف یک انسان از نگاه قرآن است. «مسئولیت» به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌باشد. «وظیفه» نیز به آن چیزی اطلاق می‌شود که شرعا یا عرفا بر عهده کسی باشد. ابائی از قرآن وجود دارد که بر اهمیت مسئولیت‌پذیری در انسان تاکید می‌ورزد. به عنوان نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»<sup>۲۰</sup> هیچ گناه‌کاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. در جایی دیگر نیز آمده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»<sup>۲۱</sup> از آن‌چه نمی‌دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند. انسان باید مسئولیت‌پذیر باشد چرا که بیهوده آفریده نشده است: «فَخَسِبْتُمْ أَنَّكُمْ خُلُقًا كَمِ عَيْشًا»؟! آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریدیم؟ و: «وَأَخْسَبُ الْإِنْسَانَ أَنْ بُرْكَ سُدًى»<sup>۲۲</sup>؛ آیا انسان پندردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا برهیزگار شوید. ذکر و یاد خدا کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»<sup>۲۳</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید- نعمت‌های او را به یاد بیاورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ لَّا يَسْطُرُونَ إِلَيْكُمْ أَيديَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۲۴</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت؛ از خدا برهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. هیچ‌گاه خدا را فراموش نکنند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۲۵</sup> و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد، آن‌ها فاسقاند. تقوا پیشه کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»<sup>۲۶</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن‌گونه که حق تقوا و برهیزکاری است، از خدا برهیزید! توبه و استغفار کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَدْخُلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نَوْمَهُمْ يَسْتَوِي سَوَاءً مَن آيَدِيَهُمْ وَيَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ نَوْمًا لَّنَا نُورًا وَنُورًا وَنُورًا لَّنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۲۷</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است

کوتاهی کند و چیزی به دروغ به خدا نسبت دهد، با او معاملاتی سخت می‌کند. اگر پیامبر حتی یک کلمه از بیش خود جعل کند و به خدا نسبت دهد یا نسبت توانای خود او را گرفته و رک حیاتش را قطع می‌کند: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقْوَابِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَلْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»<sup>۲۸</sup>

#### مسئولیت‌ها و وظایف انسان‌ها:

بر اساس آیات قرآن، می‌توان اقسام گوناگونی را برای مسئولیت‌های انسان متصور شد. مسئولیت‌های عبادی، وظایف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی از جمله مسئولیت‌هایی است که با تنبوع در آیات قرآن می‌توان برای انسان‌ها متصور شد. در این میان با تقسیم این وظایف به دو بخش فردی و اجتماعی، به کلیاتی در این مورد اشاره می‌کنیم:

#### الف- مسئولیت‌های فردی

۱-۱- مسئولیت در برابر خود منظور از مسئولیت‌های انسان در برابر خود، انجام واجبات و ترک محرمات و در یک کلام، عودیت الهی است. خداوند به انسان دستور می‌دهد تا او را بپرستند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۲۹</sup>؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا برهیزگار شوید. ذکر و یاد خدا کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»<sup>۳۰</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید- نعمت‌های او را به یاد بیاورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ لَّا يَسْطُرُونَ إِلَيْكُمْ أَيديَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۳۱</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت؛ از خدا برهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

هیچ‌گاه خدا را فراموش نکنند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۳۲</sup> و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد، آن‌ها فاسقاند.

تقوا پیشه کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»<sup>۳۳</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن‌گونه که حق تقوا و برهیزکاری است، از خدا برهیزید!

توبه و استغفار کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَدْخُلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نَوْمَهُمْ يَسْتَوِي سَوَاءً مَن آيَدِيَهُمْ وَيَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ نَوْمًا لَّنَا نُورًا وَنُورًا وَنُورًا لَّنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۳۴</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است





در تبیین نقش مردم در تعالی حکومت و جامعه باید ابتدا نانا به این موضوع اشاره کرد که مردم می‌توانند با ایفای نقشی مهم در جامعه، سهم شگرفی در سعادت و یا شقاوت آن جامعه! بیافزایند.

وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ<sup>۳۰</sup> - در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بگناه (و هرگز فریاد مزن) از بدگمانی، غیبت و تجسس در امور دیگران برهیز کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَنْتَبِهُنَّ بَعْضُكُم بَعْضًا<sup>۳۱</sup>» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید دوری گزینید از بعضی گمان‌های (بد)، که آن گمان‌ها گناه است، و تجسس در عیوب دیگران نکنید (از چیزهایی که از بدی ایشان بر شما پنهان است) و غیبت و بدگویی از یكدیگر نکنید. با مردم برخورد کریمانه داشت: «وَإِذَا سَرَوْا بِاللَّيْلِ سَرُّوا كَرَامًا<sup>۳۲</sup>» و چون با لنو مواجه شوند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند. و حرمت و کرامت مردم را حفظ کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا يَنْسَاءُ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بَيْنَ الْأَشْفَقِ وَالَّذِينَ يَبْدُوا الْإِيمَانَ وَمِنْهُمْ لَمُ يَكُنْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ<sup>۳۳</sup>» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یكدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یكدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

<sup>۱-۳</sup> - مسئولیت در برابر دین:

دفاع از دین و ارزش‌های آن: «... وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ

(با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشند و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی!» از شیطان پیروی نکنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُلُوفَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُلُوفَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...<sup>۳۴</sup>» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد.

واجبات را اداء کنند، واجباتی مانند نماز: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ<sup>۳۵</sup>» - و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگذارید)! یا روزه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۳۶</sup>» - ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا برهیزکار شوید. - و یا هر واجب دیگری.

از محرمات و گناهان دوری کنند: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ<sup>۳۷</sup>» - و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! - این محرمات چه ربا باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ<sup>۳۸</sup>» - ای مؤمنان ربا را چند برابر نخورید و تقوای الهی داشته باشید، شاید رستگار شوید. چه زنا باشد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزُّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا<sup>۳۹</sup>» - و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است. چه شرابخواری باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ<sup>۴۰</sup>» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهایی که با آن‌ها تقسیم می‌کنید، پلید است و از کارهای شیطان، پس از آن دوری کنید تا شاید رستگار شوید. چه اسراف و زیاده‌روی باشد: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ<sup>۴۱</sup>» - (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. و چه هر حرام دیگری.

نوع دیگری از مسئولیت‌های مردم در برابر گرد خود، الزامات اخلاقی است. مثلاً قرآن تاکید دارد که باید: نزاکت و ادب را رعایت کرد: «وَأَقْصِي فِيمَا كُنْتُمْ



تَعْلَمُونَ»<sup>۵۰</sup> با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنید و این برای شما بهتر است؛ اگر بدانید.

یادداشت دفاع از دین نیز دو چیز است. اول: «تصرت خدا» و یاری دادن او؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَصُرُوا اللَّهَ يَصُرْكُمْ وَ يَثَبْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>۵۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (ایمن و دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام هایتان را استوار می‌دارد. دوم نیز «هدایت ویژه الهی»؛ «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُلُبًا»<sup>۵۲</sup> آنان را که در راه ما جهاد کنند، به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد.

جهاد در راه خدا: «وجاهدوا فی الله حق جهاده»<sup>۵۳</sup> و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید. - «انفروا خفاً و نقلاً» و جاهلوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تقاتلون»<sup>۵۴</sup> - همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین‌بارا و با اموال و جان‌های خود، در

راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! - «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ خَرِّصِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»<sup>۵۵</sup> إِنْ خَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۵۶</sup> - ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن؛ هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوید؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد و خدا با صابران است.

دشمنی با دشمنان دین: یکی دیگر از مسئولیت‌های انسان در قبال دین، ابراز برائت و دشمنی با دشمنان قسم‌خورده دین است. این دشمنی خود ابعادی دارد؛ گاهی در قالب برخورد شدید با آنان معنا می‌یابد: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينَ كَفَبَتْ لَهُ قَبِيلٌ أَنْتَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»<sup>۵۷</sup> - با آن‌ها بیکار کنید، تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود، و دین (و پرستش) هم مخصوص خدا باشد! و اگر آن‌ها از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست خودداری کنند، (خداوند) آن‌ها را می‌پذیرد؛ خدا به آن‌چه انجام می‌دهند بیناست، و یا در قالب قطع رابطه با آنان: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِلِعَانَةِ مَنِ دُونِكُمْ إِلَّا يَأْتِيَنَّكُمْ خِيَالًا مَدُونًا مَا عُنِيتُمْ بِدِينِ النَّبِيِّ إِذْ مِنْ أَوْفَاهِهِمْ»<sup>۵۸</sup> وَمَا تَخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَنْتَقِلُونَ»<sup>۵۹</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هرگونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)‌شان آشکار شده؛ و

آن‌چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما ایات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید؛ دیگر راه نیز عدم اعتماد به آنان است: «لَا تَزِرُ وَرَأَيْهَا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَنَسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»<sup>۶۰</sup> - و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید. و بالاخره عدم دوستی و رابطه با آنان: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَتَّخِذْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً وَ يَتَّخِذْكُمْ اللَّهُ أَعْدَاءً مُّبِينًا»<sup>۶۱</sup> - نباید مؤمنان کافران را دوست خود گیرند، و هر کس چنین کرد چیزی پیش خدا ندارد، مگر آن‌که از ایشان تقیه یک، یک تقیه مصلحتی و ظاهر، برای مدتی دوستی کنید و خداوند شما را از خود می‌ترساند، و به سوی خداوند است بازگشت.

ب- مسئولیت‌های اجتماعی  
اطاعت از ولی جامعه: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...»<sup>۶۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید. «قُلْ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ كَمَا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»<sup>۶۳</sup> - «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید؛ و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست! «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَطْلُبُوا أَعْمَالَكُمْ»<sup>۶۴</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید.

استقامت و پایداری در حفظ و ترویج دین: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۶۵</sup> - ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. - در جای دیگر نیز تأکید می‌کند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَاضُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۶۶</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! کمک به هم‌وعیان: «وَ مَا لَكُم أَلَّا تَتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۶۷</sup> - چه شده است شما را که در راه خدا اتفاق نمی‌کنید؟ در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین مال خداست، و آنفقوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَسْتَفِيقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۶۸</sup> - از آن‌چه به شما روزی داده‌ایم اتفاق کنید، پیش از آن‌که مرگ یکی از شما فرسود و بگوید: پروردگار! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه



خداوند تاکید دارد که برای

رسیدن به قله‌های تعالی، همه

باید احساس مسئولیت کنند و

نپندارند که با کناره‌گیری از

امور، می‌توانند تنها خود را نجات

دهند. در آیات سوره عصر،

چهار عامل: ایمان و عمل صالح و

توصیه دیگران به حق و صبر راه

تعالی دانسته شده است.

الْأَخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ  
سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»<sup>۳۷</sup> هر کس خواهان [دنیای] زودگذر  
است، به‌زودی هر که را خواهیم [نصبی] از آن  
می‌دهیم، آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل  
خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم، و هر کس خواهان  
آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن  
باشد، آنان‌اند که تلاش آن‌ها مورد حق‌شناسی واقع  
خواهد شد.

خداوند تاکید دارد که برای رسیدن به قله‌های تعالی،  
همه باید احساس مسئولیت کنند و نپندارند که با  
کناره‌گیری از امور، می‌توانند تنها خود را نجات دهند.  
در آیات سوره عصر، چهار عامل: ایمان و عمل صالح  
و توصیه دیگران به حق و صبر راه تعالی دانسته شده  
است. توأسی به حق و صبر یعنی مسئولیت‌پذیری در  
برابر دیگران. این حس مسئولیت نسبت به دیگران  
تا اندازه‌ای است که حضرت موسی علیه السلام به شخصی که  
قصد سوراخ کردن کشتی را دارد، تذکر می‌دهد که  
این کار او همه را غرق خواهد کرد: «فَاطْلُقْ خَشِيَ  
إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا  
لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا»<sup>۳۸</sup> پس رهسپار گردیدند تا وقتی  
که سوار کشتی شدند. آن عالم، کشتی را سوراخ کرد.  
موسی گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش  
را غرق کنی؟! واقعا به کار نراوی می‌بادرت وزیدی.

افزون بر این موارد، قرآن در آیات گوناگون، خود، نقش  
انسان در جامعه را تا آن‌جایی می‌داند که آنان را عامل  
سقاوت و سقوط خود ذکر می‌کند. مثلاً در یکی از آیات

دهم و از صالحان باشم؟!»

مردم داری: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» - بال  
(عطف) خود را برای مؤمنین فرود آر -<sup>۳۷</sup> «وَلَا تَصْغُرْ  
خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا  
يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»<sup>۳۸</sup> - با بی‌اعتنایی از مردم  
روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند  
هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد -

### نقش مردم در تعالی و یا سقوط حکومت و جامعه

در تبیین نقش مردم در تعالی حکومت و جامعه باید  
ابتدائاً به این موضوع اشاره کرد که مردم می‌توانند  
با ایفای نقشی مهم در جامعه، سهم شگرفی در  
سعادت و یا سقاوت آن جامعه ایفاء نمایند. این مهم  
از آن‌جایی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم که بر  
اساس آیات الهی انسان خلیفه و جانشین خداوند  
در روی زمین است: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي  
جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ  
فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ يَنْحُبُّ تُرَابَهُ بِخُشْدٍ وَ تَقْدُسُ  
لَكَ قَالُوا إِنَّا نَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۳۹</sup> (به خاطر بی‌باز  
هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من  
در روی زمین، جانشینی [نمایند]ای قرار خواهم داد.»  
فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار  
می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟» (زیرا موجودات  
زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به  
فساد و خون‌ریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش  
این انسان، عبادت است)، ما تسبیح و حمد تو را بجا  
می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود:  
«من خلیقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» نقش  
مردم در تعالی و یا سقوط یک جامعه به اندازه‌ای  
است که خداوند تغییرات اجتماعی در یک اجتماع و  
قوم را، جز با تغییرات نخست فردی و سپس جمعی  
میسور نمی‌داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْدُرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يَبْدُرَ  
مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۴۰</sup> در حقیقت خدا وضع خود را تغییر  
نمی‌دهد تا آن‌ها خودشان وضع خود را تغییر دهند.  
این تغییرات تا آن‌جایی است که قرآن می‌فرماید:  
«ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُتَبِعًا بِنِعْمَتِهِ عَلَيَّ قَوْمٌ  
حَتَّىٰ يَبْدُرَ مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۴۱</sup> این  
[کفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر  
قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان  
آنچه را در روان‌ها و جان‌های خویش دارند، تغییر  
دهند و خدا شغواي داناست. به تعبیر قرآن، انسان‌ها  
در سرنوشت خود و جامعه‌شان دخیل هستند: «مَنْ  
كَانَ يُرِيدُ الْعَالَمَةَ غَضَّنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ  
فَمَنْ غَضَّنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْمُورًا وَ مَنْ أَرَادَ







آمده است: «وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلُكُنَّاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوَدَّةً» و [مردم] آن شهرها چون بیادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم، در ایامی دیگر نیز می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۳۹</sup> و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

البته ناگفته نپساید که میزان نقشی مردم، به اندازه استطاعت و توانایی آن‌هاست: «لَا يَكُفِّرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»<sup>۴۰</sup> خداوند هیچ کس را جز بقدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

آن‌چه (از خوبی) به دست‌آورده به سود او و آن‌چه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. همان‌گونه که حضرت شعیب<sup>ؓ</sup> می‌فرماید: «إِنَّ أُرِيدَ إِلَّا الْإِسْلَامَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»<sup>۴۱</sup> من قصدی جز اصلاح [جامعه] آن‌جا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [باری] خدا نیست، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.

### برخی از مهم‌ترین نقشی‌های مردم در جامعه

۱- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از مهم‌ترین نقشی‌های مردم در جامعه به شمار می‌آید: «وَلَا تَكُن مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۴۲</sup> - باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند... و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۴۳</sup> - شما بهترین گروهی هستید که برای مردم برگزیده شده‌اید، زیرا به معروف فرمان می‌دهید و از منکر جلوگیری می‌کنند و به خداوند یکتا ایمان دارید.

۲- ایجاد و اجرای عدالت

ایجاد و اجرای عدالت از دیگر نقش‌های مهم مردم در جامعه محسوب می‌شود. در قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...»<sup>۴۴</sup> - خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم دوری می‌کنید، به عدالت دوری کنید!

در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَاهِدَاءَ لِلَّهِ وَلِوَالِدَيْهِمْ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ الْأَفْرَىٰ إِنْ يَكُنْ غَيْبًا أَوْ قُبْرًا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَبْدُلُوا وَ إِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرْتُمْ فَلَنْ يَكُنَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» - ای کسانی که ایمان آورده اید! پیوسته به عدل و داد بر پا نموده، برای (خشنودی) خداوند گواهان باشید اگر چه (آن گواهی) به زبان خودتان، یا پدر و مادر و خویشان باشد، (آن کس که برایش گواهی می‌دهید) اگر تواتر باشد یا درویش، خداوند به آن‌ها سزوارتر است، پس (در گواهی دادن) از خواهش و کام دل بیروی نکنید که از حق به در روید - یا، گواهی به حق ندهید - و اگر زبان بیچاند - یعنی به ناحق گواهی دهید - یا (از گواهی دادن) روی بگردانید، خداوند بدان چه می‌کنید آگاه است.<sup>۴۵</sup>

۳- وحدت‌بخشی و انسجام‌دهی

وحدت بخشی و انسجام‌دهی، یکی از مهم‌ترین نقشی‌های مردم در جامعه به شمار می‌آید. خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۴۶</sup> - و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید. در جایی دیگر نیز هشدار می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَدَا مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۴۷</sup> - و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آن‌که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید؛ و آن‌ها عذاب عظیمی دارند.

۴- تحقق و استمرار حکومت اسلامی

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین نقشی‌های مردم در جامعه، تحقق و استمرار حکومت اسلامی است. در این مورد به بخش‌هایی از کتاب (ولایت فقیه، ولایت فقهات و عدالت) اثر حضرت آیت‌الله جوادی آملی، عینا اشاره می‌شود: «حاکمیت دین حق و نظام اسلامی، همانند هر نظام دیگری، با ازروها تحقق نمی‌پذیرد، بلکه حضور مردم و اتحاد آنان بر محور حق را می‌طلبد، مردم،

بی‌نوشت‌ها

۱. هود/ ۹
۲. نساء/ ۲۸
۳. اسراء/ ۱۱
۴. ابراهيم/ ۳۴
۵. اسراء/ ۱۰۰
۶. كهف/ ۵۴
۷. مارج/ ۱۹
۸. شوری/ ۴۸
۹. نحل/ ۴
۱۰. انفطار/ ۶
۱۱. علق/ ۷۶
۱۲. مارج/ ۱۹ الی ۲۱
۱۳. مارج/ ۲۲ و ۲۳
۱۴. مارج/ ۲۴
۱۵. مارج/ ۲۶
۱۶. مارج/ ۳۷
۱۷. مارج/ ۳۹
۱۸. مارج/ ۳۲
۱۹. مارج/ ۳۲
۲۰. مارج/ ۳۲
۲۱. مارج/ ۱۶۴
۲۲. اسراء/ ۳۶
۲۳. مؤمنین/ ۱۱۵
۲۴. قیامت/ ۳۶
۲۵. بقره/ ۲۸۶
۲۶. احزاب/ ۷۲
۲۷. احزاب/ ۲۷
۲۸. اسراء/ ۱۲
۲۹. ذاریات/ ۵۶
۳۰. اعراف/ ۶
۳۱. الحاقه/ ۴۴ الی ۴۶
۳۲. بقره/ ۲۱
۳۳. احزاب/ ۴۷
۳۴. بانه/ ۱۱
۳۵. مشر/ ۱۹
۳۶. آل عمران/ ۱۰۲
۳۷. تحريم/ ۸
۳۸. بقره/ ۲۱
۳۹. بقره/ ۴۳
۴۰. بقره/ ۱۸۳
۴۱. انعام/ ۱۵۱
۴۲. آل عمران/ ایه ۱۳۰
۴۳. اسراء/ ۳۲
۴۴. بانه/ ۹۰
۴۵. اعراف/ ۳۷
۴۶. لقمان/ ۱۹
۴۷. حجرات/ ۱۲
۴۸. سوره فرقان/ ۷۲
۴۹. حجرات/ ۱۱
۵۰. توبه/ ۴۱
۵۱. محمد/ ۷
۵۲. عنکبوت/ ۶۹
۵۳. حج/ ۷۸
۵۴. توبه/ ۴۱
۵۵. انفال/ ۶۵-۶۶
۵۶. انفال/ ۳۹
۵۷. آل عمران/ ۱۱۸
۵۸. هود/ ۱۱۳
۵۹. آل عمران/ ۲۸
۶۰. نساء/ ۵۹
۶۱. نور/ ۵۴
۶۲. محمد/ ۳۳
۶۳. بقره/ ۱۵۳
۶۴. آل عمران/ ۲۰۰
۶۵. حديد/ ۱-۱۰
۶۶. منافقون/ ۱۰
۶۷. احزاب/ ۸۸
۶۸. لقمان/ ۱۷
۶۹. بقره/ ۳۰
۷۰. انفال/ ۱۱
۷۱. انفال/ ۷۱
۷۲. اسراء/ ۱۹-۱۸
۷۳. كهف/ ۷۱
۷۴. كهف/ ۵۹
۷۵. اعراف/ ۹۶
۷۶. بقره/ ۲۸۶
۷۷. هود/ ۸۸
۷۸. آل عمران/ ۱۰۴
۷۹. آل عمران/ ۱۱۰
۸۰. نساء/ ۵۸
۸۱. نساء/ ۱۳۵
۸۲. آل عمران/ ۱۰۳
۸۳. آل عمران/ ۱۰۵
۸۴. بقره/ ۲۴۹: چه بسيار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند
۸۵. قصص/ ۴۰: ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود
۸۶. قصص/ ۸۱: سپس ما، او و خانانش را در زمین فرو بردیم.
۸۷. الحاقه/ ۷ (خانواده) این تندباد بیان کن را هفت شب و هشت روز بی در پی بر آنها مسلط ساخت.
۸۸. نور/ ۶۲

با پذیرش دین اولا و پذیرش ولایت حاکم اسلامی ثانیاً، دین خدا را در جامعه متحقق می‌سازند و چنین مردمی اگر چه اندک باشند، خداوند نصر خود را به آنان می‌رساند و در جنگ با بیگانگان، همه معادلات ریاضی و سیاسی و نظامی را برهم می‌زند: «كَمْ مِنْ قَبْطَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ قَبْطَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۳۳</sup> انبیاء الهی که با عده‌ای خاص قیام کردند، با این‌که فاقد همه امکانات مادی بودند و دشمنان آنان از همه امکانات مادی برخوردار بودند، چون مؤمنین به قدر میسور، به دستور خدا عمل می‌کردند، خداوند سلاطین ستم و باطل را نابود می‌ساخت؛ عده‌ای از آنان را به صورت: « فَكَذَّبْنَا وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»<sup>۳۴</sup> گروهی را: « فَحَسَبْنَا بِهِ وَيَدَارَهُ الْأَرْضُ »<sup>۳۵</sup> و برخی را: « سَخَّرْنَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا»<sup>۳۶</sup> و جمعی دیگر را با سایر جنود الهی از میان برد. پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان، از کمترین امکانات جنگی و مادی برخوردار بودند، ولی در همان جنگ‌های نابرابر، خداوند آنان را یاری کرد و اکنون نیز که انقلاب اسلامی حکومتی دینی برپا کرده است، اگر مردم در صحنه نباشند و حضور جدی نداشته باشند، حتی اگر رهبر آنان در حد وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین ﷺ باشد، نظام اسلامی سقوط می‌کند. رهبری مانند علی‌بن ابی‌طالب ﷺ که جز شخص پیامبر ﷺ، هیچ‌کس در روی زمین به عظمت علمی و عملی آن حضرت نمی‌رسد و نظر در شجاعت و سلحشوری و سیاست نظامی نیز بی‌همانند است و پیروزی بیشتر جبهه‌ها به عهده آن حضرت بود، وقتی که مردم با او هماهنگ نباشند و او را نپذیرند، هرگز پیروز نمی‌شود. در سوره مبارکه «نور»، درباره حضور مردم آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا مِنْ آلِ الَّذِينَ يُسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۳۷</sup> یعنی مؤمنان واقعی کسانی هستند که گذشته از ایمان به خدا و پیامبر، در مسائل اجتماعی نیز رهبران الهی خود را رها نکنند و در این زمینه، از جهت ملاک حکم، تفاوتی میان آن‌که رهبر، پیامبر باشد یا امام معصوم یا جانشینان آنان در عصر نبوت، وجود ندارد. بنابراین، حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم متحقق نمی‌شود و تفاوت اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های جابر در همین است که حکومت اسلامی، حکومتی مردمی است و بر پایه زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه مردم به دین و حاکم اسلامی صورت می‌پذیرد و هر چه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره‌مندتر باشند و هر چه احکام دینی را بیشتر عمل کنند و هر چه از اتحاد و همبستگی و الفت الهی برخوردار ی بیشتری داشته باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق‌تر است و هیچ‌گاه نباید تصور نمود که اگر مردم با حکومت اسلامی نباشند و اگر مؤمنان راستین کمر همت نبینند، خداوند حکومت اسلامی را برپا می‌دارد.»

